

» یادداشت
» علی‌اصغر بادبان

سازمان تامین اجتماعی و پرسش‌هایی درباره آینده

قانون تامین اجتماعی با ملاحظات مطالعه‌شده و با دعوت از کارشناسان و خبرگان سازمان جهانی کار (ILO) و اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی (ISSA) و با اهدافی کاملاً روشن و با دورنمای چند ده‌ساله در سال ۱۳۵۴ تدوین و بعد به قانون تبدیل شد.

قانون تامین اجتماعی مصوب این سال، جایگزین قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران شد. با این هدف که در آتی‌ه، این سازمان چتر حمایتی تمامی آحاد جامعه باشد. در این قانون مراحل تعریف‌شده برای توسعه خدمات سازمان به همه مردم با مدنظر داشتن منابع درآمدی پایدار و منظور داشتن عوامل موثر در ساختار سازمان و تغییرات منطقی و بدیهی این عوامل در سال‌های بعد تشریح شده بود.

همواره توصیه شده‌است که این ساختار نوپا نباید با شوک‌های غیرعادی مواجه شود. در ساختار تعریف‌شده، میزان افزایش دستمزد سالیانه به صورت منطقی در نظر گرفته شده‌است؛ در حالی که در عمل هیچ‌گاه افزایش دستمزد افراد بیمه‌شده مطابق و هم‌طرز با افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم نبوده‌است و به‌تبع درآمدها و منابع ورودی سازمان از محل وصول حق بیمه، در هیچ دوره‌ای با پیش‌بینی‌های منظور شده در فلسفه قانون مطابق نبوده‌است.

نرخ بیکاری از دیگر عوامل منظور-شده در بنیان‌های اصلی قانون بوده‌است. بیکاری‌های با نرخ بالا در برخی مقاطع و تقلیل نرخ اشتغال از ضربات مهلک دیگری است که در طول این سال‌ها بر پیکره این قانون وارد آمده و سبب شده نسبت تعداد بیمه‌پردازان با تعداد مستمری و مقرری بگیران، مناسبت و توازن لازم را نداشته باشد.

کاهش و تقلیل سطح دریافتی‌ها (حق بیمه) و افزایش حجم پرداخت‌ها (مستمری‌ها) با تصویب و اجرای قوانین در تضاد با روح کلی قانون تامین اجتماعی، این سازمان را با مشکلاتی جدی مواجه ساخته که اگر برای حل آن‌ها تدابیری جدی اندیشیده نشود ممکن است در آینده این سازمان را نیز با بحران غلبه مصارف بر منابع مواجه سازد.

قوانین پی‌درپی و غیر کارشناسی بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور یا به پنهان بازسازی و نوسازی صنایع، از عمده‌ترین ضربات مهلکی است که در طول دوره اجرا بر پیکر این قانون و نیز بر منابع متعلق به بیمه‌شدگان وارد شده‌است.

این مصیبت زمانی دردناک‌تر می‌شود که قانون‌گذار در برخی موارد به نحوی انشای قانون کرده که گویا بخش قابل توجهی از بودجه عمومی کشور در اختیار سازمان تامین اجتماعی است، در حالی که دولت‌های شکل گرفته در طول سال‌های اجرای قانون به‌جز یک مورد، هرگز تعهدات قانونی و حداقلی خود را در برابر این سازمان اجرا نکرده‌اند و در حال حاضر رقم بدهی تاریخی نهاد دولت به سازمان تامین اجتماعی نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است که چند ده از تاریخ ایجاد این بدهی می‌گذرد.

شاید تصور این باشد که اندوخته‌ها و منابع سازمان تامین اجتماعی بی‌انتهاست؛ ولی واقعیت این است که در حال حاضر سازمان برای تامین هزینه‌های جاری و تعهدات خود روزگار سختی را پشت سر می‌گذارد و ادامه این وضعیت، در صورت ادامه روند جاری، سازمان را با مشکلاتی جدی مواجه خواهد ساخت. آسیب و شکست این سازمان، بهمن عظیمی است که در صورت وقوع، مجموعه دولت را با عظیم‌ترین مشکل خود مواجه خواهد کرد.

بی‌توجهی به فلسفه وجودی این سازمان و رعایت نکردن موازین مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون تامین اجتماعی، نتیجه‌ای جز ورشکستگی نخواهد داشت. در بسیاری از کشورهای جهان به منظور هم‌راهی با سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی و تلاش برای بقای آن، سن بازنشستگی را افزایش می‌دهند تا اقدامات انجام‌شده با تغییرات نرخ امید به زندگی همسو شود. جالب آن است که زمین گیر کند. به بیانی دیگر، قانونا به افرادی فاقد حداقل شرایط اولیه بازنشستگی، اجازه داده شد که با خرید سابقه به جر که مستمری بگیران جزئی بییوندند. من با در نظر داشتن مجموعه این اتفاقات، به‌عنوان یک مستمری بگیر به همه مسئولان اعلام خطر می‌کنم که در صورت استمرار چنین رویکردهای غیر کارشناسی، آینده روشنی در انتظار این سازمان عظیم اجتماعی نخواهد بود.

کارشناس تامین اجتماعی

انتخاب هیئت‌داوران نهایی جشنواره «تامین اجتماعی و رسانه»

هیئت‌داوران نخستین جشنواره «تامین اجتماعی و رسانه» معرفی شدند. مهرداد خلیلی، دبیر این جشنواره، اعلام کرد: «دکتر مجید رضائیان، فریدون صدیقی، دکتر مهدی فرقانی، علی‌اکبر قاضی‌زاده و دکتر حسن نمکدوست‌داوران نهایی این جشنواره در بخش آثار مطبوعات، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های دیجیتال هستند و در بخش آثار رادیویی و تلویزیونی هم دکتر اکبر نصراللهی و دکتر مرتضی حیدری مسئولیت داوری را بر عهده دارند.» علاقه‌مندان به شرکت تا ۱۵ آذرماه ۹۴ فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه این جشنواره به نشانی تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان دوازدهم، پلاک ۲۲، موسسه فرهنگی هنری اهنگ آتیه ارسال کنند. همچنین شماره تلفن ۹-۸۷-۸۸۱۷۲۰۸ در ساعات اداری پاسخگوی پرسش‌های احتمالی علاقه‌مندان است.

اکتیو

پرسه‌ای در لیدها واندیشه‌ها

در میز گردی با حضور مهدی تقوی (اقتصاددان)، فرشید یزدانی (کارشناس سیاست‌های اجتماعی) و علی‌اکبر شیرمحمدی (مدیر کل دفتر فنی صندوق بازنشستگی کشوری) عنوان شد:

احساسی به سن بازنشستگی نگاه نکنیم

یکی از مسائلی که از ابتدای شکل‌گیری صندوق‌های بازنشستگی وبیمه اجتماعی در جهان و ایران، بحث‌های زیادی را به خود اختصاص داده و در سال‌های اخیر نیز با افزایش سن متوسط امید به زندگی، افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری بگیران و برهم خوردن تعادل میان منابع و مصارف این صندوق‌ها، به شکل جدی‌تر مورد توجه قرار گرفته، سن بازنشستگی است. شرایط سال‌های اخیر دلایل زیادی برای پیشنهاد اصلاح این سن در ایران پیش روی مسئولان این صندوق‌ها و نیز کارشناسان اقتصادی و اجتماعی قرار داده‌است. در مقابل اما برخی نیز با یادآوری ترکیب سنی جمعیت و نرخ بیکاری کشور، معتقدند با جایگزینی نیروی کار جوان با نیروهای مسن‌تر، چرخ‌های اقتصاد کشور با سرعت بیشتری به چرخش ادامه خواهد داد؛ هرچند آمارها حکایت از آن دارد که در حال حاضر در صدد یادی از بازنشستگان به دلایل عمدتاً معیشتی مجدداً به بازار کار برمی‌گردند. اختلاف دیدگاه کارشناسان در این زمینه پنهانه‌ای شد تا در میزگردی با حضور دکتر مهدی تقوی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر فرشید یزدانی، کارشناس و پژوهشگر حوزه رفاه و تامین اجتماعی و علی‌اکبر شیرمحمدی، مدیر کل دفتر فنی صندوق بازنشستگی کشوری، این موضوع را بیشتر موشکافی و موردبررسی و تحلیل قرار دهیم.

«میزگرد»
بخش اول
<p>حداقل در چند سال اخیر، هر از گاهی برخی از مسئولان اقتصادی و اجتماعی از ضرورت افزایش سن بازنشستگی سخن گفته‌اند. برای شروع بحث، به نظر شما چرا «الزام» وجود دارد که سن بازنشستگی افزایش یابد؟</p> <p><i>فرشید یزدانی:</i> به نظر من بهتر است از این مسیر وارد بحث شویم که اساساً مفهوم بازنشستگی چه چیزی را محور قرار می‌دهد. در ایران در سال ۱۳۵۴ که قانون تامین اجتماعی تصویب شد و قانون بازنشستگی کارمندان دولت هم قبل از آن به تصویب رسیده بود، براساس بررسی‌ها متوسط سن امید به زندگی ۵۴ سال بود و متناسب با آن و سایر شرایط اقتصادی و اجتماعی سن بازنشستگی برای زنان ۵۵ سال و برای آقایان ۶۰ سال تعیین شد. درواقع سن بازنشستگی در همان زمان، بالاتر از سن امید به زندگی بود، محاسبات صورت گرفته هم مبین همین مسئله بود. یعنی براساس اینکه بیمه‌شدگان به طور متوسط چند سال حق بیمه پرداخت می‌کنندو چند سال با توجه به شاخص‌های جمعیتی باید دریافتی مستمری داشته باشند، سن بازنشستگی تعریف شد. مسئله مهمی که وجود دارد این است که این اعداد تنها معطوف به حفظ منافع صندوق‌های بیمه‌ای و تعادل منابع و مصارف آن‌ها نیست. چون صندوق‌های بیمه‌ای مربوط به شخص خاصی نیستند که منافع داشته باشند. اگر این صندوق‌ها دچار بحران شوند، به نوعی می‌توان</p>

نمای نزدیک

تعداد شاغلان بیشتر، تعداد بازنشستگان بیشتر را در پی دارد اما باید دقت کرد که این بازنشستگان طی سالیان گذشته قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و بسیاری از آن‌ها بیش از سی سال کار کرده‌اند. بنابراین فارغ از اینکه سن بازنشستگی چقدر عاملی اساسی است، به نظر می‌رسد باید متناسب با ظرفیت‌های هر صندوق، سرمایه‌گذاری مناسب صورت بگیرد تا به نوعی نه تنها در مقابل کاهش قدرت خرید مقاومت کرد بلکه به نوعی هم وضعیت موجود را جبران کرد بنابراین افزایش نیروی کار ناشی از رشد اقتصادی باید با میزان سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها تناسب داشته باشد.

نسبت گذشته کاهش یافته و تعداد فرزندان کمتر شده، تعداد شاغلان زیادت‌ر شده‌است. این تعداد شاغل باید در زمان بازنشستگی از حقوق و مزایای این دوران بر خوردار شوند. بنابراین تعداد شاغلان بیشتر، تعداد بازنشستگان بیشتر را در پی دارد اما باید دقت کرد که این بازنشستگان طی سالیان گذشته قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و بسیاری از آن‌ها بیش از سی سال کار کرده‌اند. بنابراین فارغ از اینکه سن بازنشستگی چقدر عاملی اساسی است، به نظر می‌رسد باید متناسب با ظرفیت‌های هر صندوق، سرمایه‌گذاری مناسب صورت بگیرد تا به نوعی نه تنها در مقابل کاهش قدرت خرید مقاومت کرد بلکه به نوعی هم وضعیت موجود را جبران کرد. بنابراین افزایش نیروی کار ناشی از رشد اقتصادی باید با میزان سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها تناسب داشته باشد و از سویی هم این اقشار را با بحران‌های مالی و حتی معیشتی مواجه نکند.

موضوعی که هم‌اینگ سازمان‌های بیمه اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، این است که به سبب کاهش مستمر سن بازنشستگی و تسهیل شرایط بازنشستگی، تعداد سال‌های دریافت کسور حق بیمه با سال‌هایی که این صندوق‌ها موظف‌اند مستمری پرداخت کنند، تناسبی ندارد. بر اساس برخی برآوردها، درحالی که متوسط پرداختی کسور حق بیمه هر بیمه‌شده حدود ۲۰ سال است، متوسط سال‌های دریافت مستمری به بیش از ۴۰ سال افزایش یافته. طبیعی است که صندوق‌های بازنشستگی، که می‌دانیم تا سال‌ها پس از تشکیل حتی اجازه

شاخص‌های ملی خود تعیین کردند. در قانون تامین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴، به نوعی این تناسب را می‌توان مشاهده کرد. در این قانون سن بازنشستگی تعیین شده برای مردان و زنان، با توجه به شاخص امید زندگی در آن ایام، انتظار می‌رفت به تعادل مالی سازمان کمک کند. اما به مرور زمان و بدون انجام بررسی‌های کارشناسی، این پارامتر در اوایل دهه ۷۰ شمسی اصلاح و براساس سن بازنشستگی برای مردان به ۵۵ سال و برای زنان به ۴۵ سال کاهش یافت. ضمن اینکه تسهیلات بیشتری برای گروه‌های خاص در نظر گرفته شد. لازم است به این نکته اشاره کنم که این اصلاحات فاقد مبانی کارشناسی است و به هیچ‌عنوان مورد تأیید کارشناسان این حوزه نیست و همان گونه که مشاهده می‌شود این اقدام خلاف جهت روندهای جهانی است. متأسفانه از تاریخ تصویب قانون تامین اجتماعی، صرف‌نظر از اصلاح‌سن بازنشستگی، اصلاحات دیگری در قانون شکل گرفت که عمدتاً مغایر با اصول بیمه‌های اجتماعی بودند و موجب اختلال در کارکردهای این سازمان بیمه‌گر اجتماعی بزرگ شدند. شاید بتوان گفت یکی از دلایل عمده این رویکرد، فقدان یک لایه مساعدت اجتماعی کارآمد و فراگیر در کشور است که در مواردی سبب شده بخشی از نیازهای جامعه بدرغم مغایرت با اصول حاکم بر فعالیت سازمان تامین اجتماعی، به‌عنوان یک سازمان بیمه اجتماعی، به سمت این سازمان هدایت شود.

همانطور که گفتید شاخص‌ها و عوامل مختلفی در تعیین سن بازنشستگی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از این شاخص‌ها



یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴ ● شماره سی و دو

A T I V E H N O



سن بازنشستگی در دوره‌ای به دلیل تحمیل بازنشستگی‌های پیش از موعد به ۴۹ سال هم رسید این یکی از هشدارهای جدی این منظره بود تا برای ازوم بازنگری در خصوص سن بازنشستگی باتوجه

فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری منابع خود را نداشتند، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند...

تقوی: کشور مادر دولت دهم شاهد تورم در حدود ۴۰ درصد بود، علاوه بر اینکه بیکاری وجود داشت و نرخ رشد اقتصادی هم منفی بود. در آن سال‌های رکود اقتصادی و رشد منفی اقتصادی، عده زیادی کار خود را به هر دلیلی از دست دادند و فشار زیادی به صندوق‌های بیمه اجتماعی، که باید از این افراد حمایت می‌کردند، وارد شد. به نظر من، مشکل اساسی این است که این صندوق‌ها به علت رکود تورمی در دولت‌های گذشته، چندان در سرمایه‌گذاری موفق نبوده‌اند و در مواردی نیز تصمیم‌های درستی برای سرمایه‌گذاری نگرفته‌اند. اگر شرایط کسب و کار بهبود یابد و نرخ‌های رشد مثبت شود، صندوق‌های بازنشستگی می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه خود استفاده بهتر و بیشتری ببرند. به نظر من شاید بتوان از منظر اقتصادی به تحلیل شرایط کلی صندوق‌ها نشست و شاید در این صورت مسئله اصلاح سن بازنشستگی در اولویت قرار نگیرد. هرچند من هم معتقدم که اصلاح سن بازنشستگی اهمیت بالایی دارد اما باید این مسئله را در کنار دیگر مولفه‌ها سنجید.

یزدانی: به نظر می‌رسد چندایام در این زمینه وجود دارد. دکتر تقوی اشاره می‌کنند که جمعیت فعال کشور بیشتر شده است. بله، درست است. ما در دوره پنجره جمعیتی قرار داریم اما فراموش نکنیم که ۷ میلیون نفر از این جمعیت بیکارزند و به دلیل وارد بازار کار نشده‌اند. یعنی بخشی از منابعی که صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی می‌توانند روی آن‌ها حساب کنند، مربوط به نیروهای در سن فعالیت است که به هر دلیل خارج از چرخه بیمه‌پردازی قرار دارند. نکته بعدی این است